

فرهنگ و توسعه

رهیافت مردم شناختی توسعه

سرانجام مقاله چهارم ارتباط فرهنگ، آموزش و پرورش (تحصیلات) و کار را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده به نقش دوگانه آموزش و پرورش در توسعه اشاره می‌کند و سپس به ارتباط آموزش و پرورش و فرهنگ با بحث اشتغال، ترکیب نیروی شاغل و مشکلات فرهنگی کارگران مهاجر و تکثیر گرایشی فرهنگی می‌پردازد.

در مجموع این مقاله‌ها به مسائل متنوعی درباره توسعه فرهنگی می‌پردازند و مطالعه آن برای رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی که به نحوی با توسعه، فرهنگ و بحران‌های اجتماعی - فرهنگی سر و کار دارند مفید خواهد بود. به علاوه رویکرد مردم‌شناسانه نویسندگان که به صورت ضمنی از خلال نوشته‌های ایشان هویداست بر تازگی کتاب و غنای آن می‌افزاید. در واقع تاکید نویسندگان بر این است که بدون یاری دانش مردم‌شناسی (انسان‌شناسی) که می‌تواند به عمق آداب و رسوم و سنت‌های جوامع نفوذ کند، شناخت عمیق و دقیق هیچ جامعه‌ای میسر نمی‌شود.

منتهی، به نظر می‌رسد که نویسندگان عمداً یا سهواً به جریان‌های فرهنگی غرب که به صورت گوناگون به جوامع جهان سوم نفوذ می‌کنند و خود علاوه بر ایجاد «دوگانگی فرهنگی» خود مانع توسعه فرهنگی متعادل در این جوامع است. تمدن غرب خواسته یا ناخواسته بر بی‌سامانی فرهنگی جوامع جهان سوم می‌افزاید و در پاره‌های موارد حتی از این حربه استفاده می‌کنند. بنابراین جای آن بود که نویسندگان به این بعد نیز توجه می‌کردند و حداقل قسمتی از مباحث خود را به آن اختصاص می‌دادند.

به علاوه، در مورد ترجمه متن مقاله‌ها نیز ذکر پاره‌های موارد مفید به نظر می‌رسد:

۱- مترجمان به رغم زحمت بسیار در ترجمه کتاب و بکار بردن تئری شیوا و روان برای بیان مطلب در پاره‌های از موارد حوصله کاوش بیشتر به خود نداده‌اند. موارد زیر نمونه‌هایی از آن هستند:

۱- Zarakali را مترجمان «زاراکالی» ترجمه کرده‌اند، حال آنکه منظور «الزرکلی» بوده است.

۲- Ibn Hazm را مترجمان ابن هزم ترجمه کرده‌اند، حال آنکه واژه درست آن «ابن حزم» است.

۳- Cordoba را کوردوبا آورده‌اند که در حقیقت همان «قرطبه» است.

۴- تهیه شرح حال مختصری برای کسانی که نام آنها آمده است (خصوصاً مسلمانان) و برخی مکان‌ها می‌توانست خواننده را بیشتر متوجه ارجاعات نویسنده به این افراد و مکان‌ها بکند.

سازمان یونسکو در حدود یک دهه است که فعالیت گسترده‌ای را در خصوص مسائل چون، ابعاد فرهنگی توسعه، توسعه فرهنگی، مشارکت فرهنگی و همگانی کردن فرهنگ شروع کرده است. این فعالیت به تولید مجموعه انبوهی از مقاله‌ها، رساله‌ها و کتاب‌هایی در مورد مسائل بالا منجر شده است. از جمله این رساله‌ها چهار مقاله است که یونسکو آنها را به مناسبت دهه جهانی توسعه فرهنگی (۱۹۹۷-۱۹۸۸) منتشر ساخته است:

۱- توسعه در بستر فرهنگ

۲- بازاندیشی توسعه

۳- فرهنگ و کشاورزی

۴- فرهنگ، آموزش و پرورش و کار

این چهار مقاله به نسبت مفصل با ترجمه‌ای روان و با معادل‌های مناسب به زیور طبع آراسته شده است. این کتاب شاید نخستین کتابی باشد که با ترجمه متون منتشره توسط یونسکو دیدگاه‌های این سازمان را در خصوص توسعه و مناسبات آن با فرهنگ نشان می‌دهد. در مقاله نسخه کتاب نویسنده دیدگاه بانک جهانی و سازمان‌های اقتصادی مرتبط با آن را درباره توسعه به انتقاد می‌کشد و شکست‌های آن را نمایان می‌سازد. در واقع یونسکو با فعالیت‌هایی که در این زمینه انجام داده است اکنون توانسته روشنفکران، دانشمندان و رهبران جوامع موسوم به جهان سوم را قانع کند که «فرهنگ بستر توسعه اقتصادی است و بدون آن هر گونه حرکتی محکوم به شکست است. مقاله دوم کتاب راه کارهای عملی پیشنهادی توسط کارشناسان یونسکو به منظور تحقق عملی توسعه فرهنگی را به بحث می‌گذارد:

۱- ارج نهادن به فرهنگ در توسعه

۲- تصریح کردن و ارتقاء دادن هویت‌های فرهنگی

۳- گسترش مشارکت در زندگی فرهنگی

۴- ارتقاء همکاری فرهنگی بین‌المللی

مقاله سوم کتاب به رابطه فرهنگ (Culture) و کشاورزی (Agriculture) می‌پردازد. نویسنده معتقد است که شباهت بین دو واژه Agriculture و Culture تصادفی نیست و در خلال اعصار رابطه‌ای تنگاتنگ میان کشاورزی و فرهنگ وجود داشته است. گذشته از جنبه‌های دیگر کشاورزی از حیث نیاز به انتقال تکنولوژی جدید به جوامع سنتی حایز اهمیت است. تکنولوژی‌ای که سامان اجتماعی و فرهنگی سنتی را بر هم می‌زند و سامانی نو را طرح می‌ریزد. نیز این موضوع از لحاظ نقش زنان در بخش کشاورزی مهم است. عده‌ای که «نیمی از جمعیت» اند و به قول سوزان هیوار «نیمه دیگر» اند.



مترجمان نعمت‌الله فاضلی و محمد فاضلی - تهران - سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - زمستان ۱۳۷۶ - قطع وزیری - ص ۳۱۶ + ۸ صفحه واژه‌نامه انگلیسی به فارسی

تمدن غرب خواسته و یا ناخواسته بر بی‌سامانی فرهنگی جوامع جهان سوم می‌افزاید

مسعود کوثری